

[Afghanistan Digital Library](#)

adl0468

<http://hdl.handle.net/2333.1/44j0zpv2>

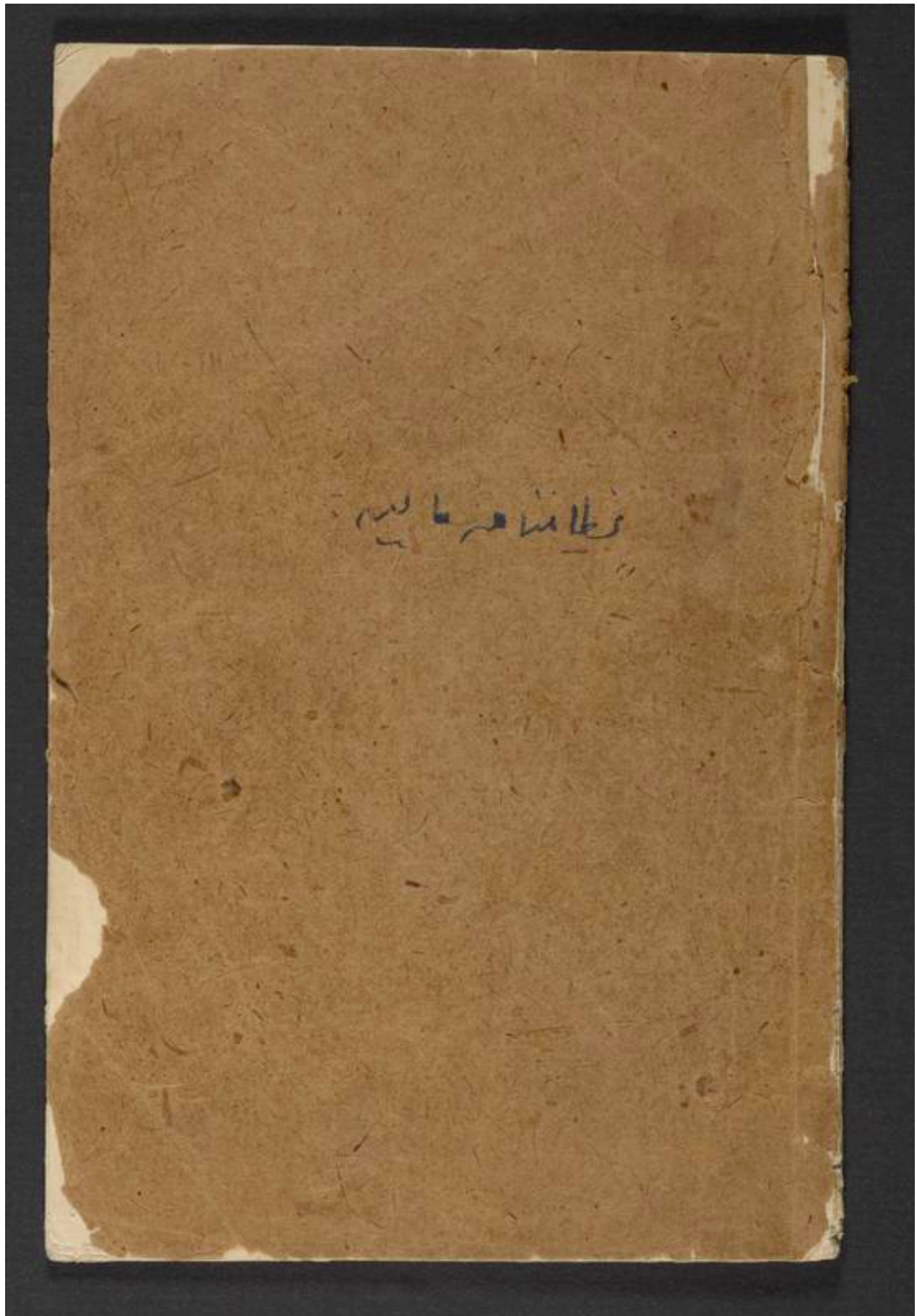


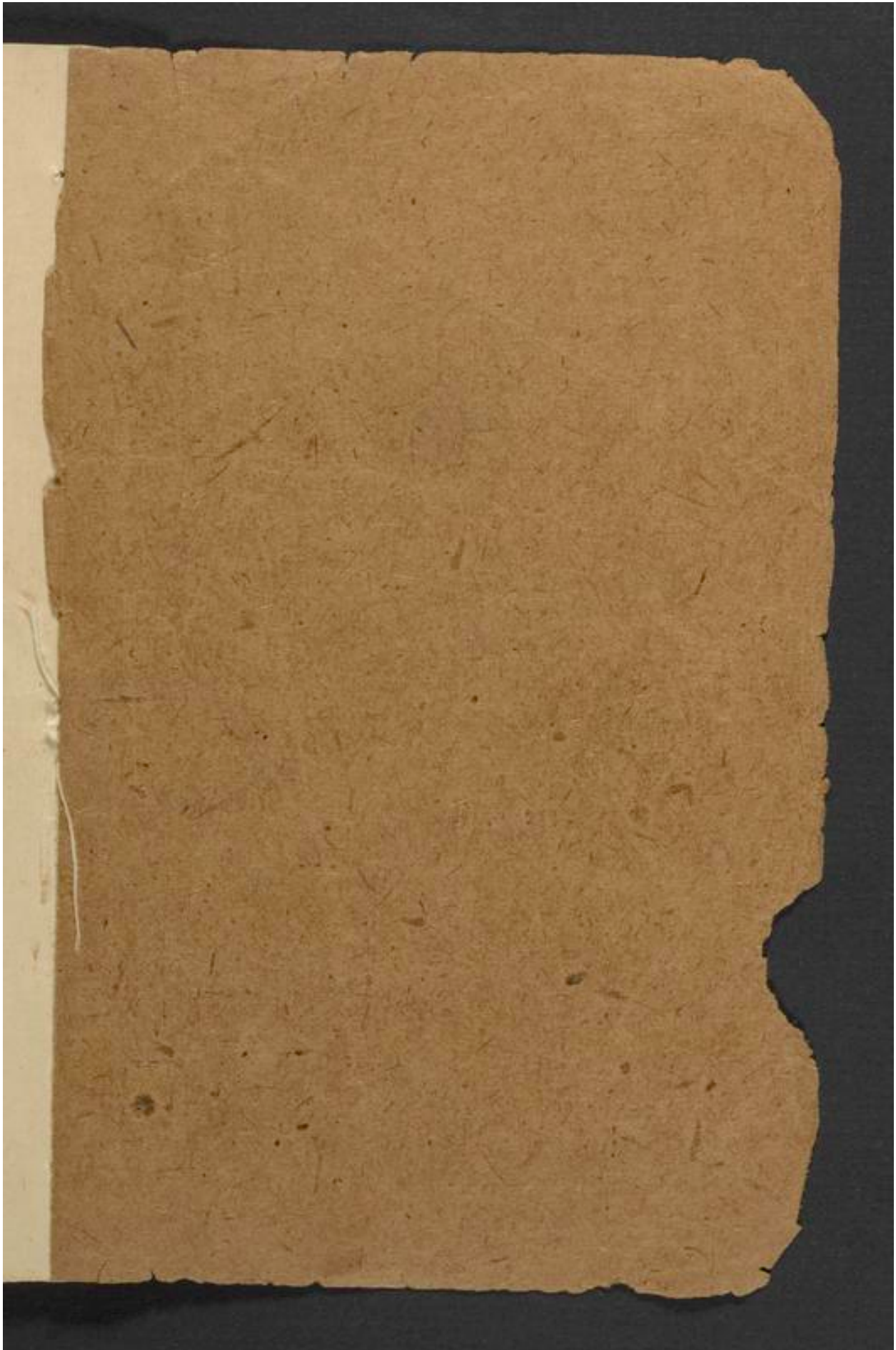
This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

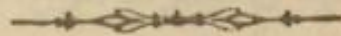
NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu





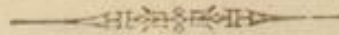


نظامنامه ما لیه



محل

علاقه



تعداد طبع (۲۰۰۰) جلد

شمار جلدانه ()



هيا له هوله لك

هاله

هاله

هاله

هاله (٠٠٠٦)

هاله

هاله

- ۳ -



بسم الرحمن الرحيم

(اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولى الامر
منكم فان تنازعتم فى شئ فردوه الى الله
والرسول)

بس از اظهار محامد خداوند بکنا جل على
و درود بروح مطهر خاتم انبيا صلى الله عليه وآله
اجمعين الى يوم الدين !

این نکته نهایت واضح است که مدار جریان
معاملات و اساس ترقی هر دولت منحصر بر ممانت
و جامعیت اصول نظام نامه های آن در وقت
حاضره برای طرفین که دولت و ملت باشد فایده

— ۴ —

عظیمه دارد که ملت را بدادش دولت را بگرفت
می فهماند — و مامور را میداند که از چه
مسئول و بکه مسئول است .

بنا بر ملاحظه این فواید برای ترقیات وطن
عزیزم افغانستان و آسایش ملت آن از حضور
شاهانه ام فضا منامه هذا برای اداره معاملات مالیه
ترقیم و طرز دفاتر آن باصول جدیده مقبوله
عالم تنظیم و مقرر گردید .

برای انضباط مالیه و کارهای متعلقش نظام
هذا منظور حضور گردیده امضا شد که مامورین
کار و تبعه مالیات و وظائف مقدس خود را دانسته
تخلف نورزند .

مالیه چیز است که از محصول زمین و سر
درختی و اموال غیر منقوله گرفته میشود —

- ۵ -

اموال یا طبیعتا و یا تخصیصا غیر منقوله شمرده
میشود - آنچه محصولیکه از اموال غیر منقوله
گرفته شود مالیه است .

مالیه زکوة است که از عصر ترقی حصر
حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم
و خلفای راشدین رضی الله تعالی عنهم برای
مجاهدین و حراست وطن از ملت گرفته اخذ
و قبض میشود و متصرف آن پادشاه است که
بمصرف آن حفاظت ملت و وطن را می نماید .
مالیه جمعی بست تقریر بست که تغییر و تبدیل ندارد
ربز مالیه جمعی بجریبی و تخم ریز و پارا ب
و قلبه بست و اشجاری و بیکال و مرد کار و بست
مشخص و تعیین و تخصیص میشود .
هر نوع محصولات زمین و غیره که مستمرا

- ٦ -

تقرر داشته فایده و نقصان آن عاید بملت باشد
جمع بست گفته میشود - جمع بست مقاوله دولت
وملت است - و شرط اعظم آن رضای جانبین است
لهذا صورت معاملات و اخذ مالیات آن بقرار
فقرات ذیل است :-

فقره اول قریه داران قریجات را لازم است
که جز و جریبی زمین مزدروعی و قنوات و چشمه
سار و قلبه بست و آنچه ریزش مالیه اسامی مالیه ده
تعلق مالکی آن متعلق به آن باشد کاملاً بتفصیل
اسم و ولد و سا کن بادا ره مالیه قلمداد بدهند
و بعد ازدادن قلمدادشان خط از ایشان گرفته
شود که اگر ثانی بقلمدا دیشان چیزی تفاوت
ظاهر شد از تاریخیکه بداره مالیه قلمداد کرده
چشم پوشی نموده بودند از مزدروعی و باغی فی جریب

- ۷ -

بیست رویه از قریه و چهل رویه از صاحب قریه
واز قنوة و چشمه سار و قله ست و غیره یکصد
رویه از قریه و دو صد رویه از صاحب ملک بطریق
جریمه تحویل صندوقخانه نموده رسید آن بولک
مالیه فرستاده شود و از بولک مالیه عوض رسید برای
سنداداره مالیه فرستاده شود و در اخیر سال بذریعہ
بولک مالیه خلص آن از ملا خطہ حضور گذرانیده شود
فقرة دوم - مدیر مالیه جز ویکه از قریه
داران و صاحبان جمع میکرد - جمع سابق قریه را
استاد بگیرد - جز ویکه قریه داران میدهند اگر
نسبت بگذشته زیاد شد بلحاظ قلم اندازی هذه السنة
اورا بسته باسامی نکت بدهد - زمین نو آباد که
قریه دار قلمداد نماید مالیه آن به طبق بلوان
شریک سنجیده بر اصل مالیه قریه افزود و بسته
شود - و قریه دار بسبب خدمت مو می الیه که بدوات

مقدس خود مینماید بلك امتیاز خصوصی داده میشود -
 از گذشته اضافه جزو و نوآباد حضور شاهانه
 صرف نظر کرده باز خواست نمیفرمایند - در
 صورتیکه قریه دار قلمداد نکرد و بذرایع دیگر
 باداره مالیه رسید تحقیق و نبوت شد بقرار مواد
 ذیل معمول دارد .

ماده (۱) اگر قریه دار واسامی درین
 خود سازش کرده قلمداد نکرده بودند جریمه
 قریه دار و اسامی بقرار حکم فقره اول است .

ماده (۲) اگر قریه دار از اسامی مالیه را
 گرفته بود و باداره مالیه قلمداد نکرده بود
 جریمه اسامی نیز از قریه دار گرفته شود .

ماده (۳) هرگاه اسامی سند قریه دار را
 نداشته و به قریه دار قلمداد نداده چشم پوشی

- ۹ -

نموده بود جریمه قریه دار از اسامی گرفته
شود - بعد از تحقیقات و گرفتن جریمه مالیه
آن از سال اول و تشریح نظامنامه گرفته میشود -
وظیفه قبیله داران است که در ابتدای که مدیر
مالیه میرسد جزو اسامی تعلقه خود را الی موعده
قسط اول که میزان است سپرد اداره مالیه نمایند
و رسید قلمداد خود را بگیرند هرگاه الی موعده
قسط جزو اسامی مالیه ده را اداره مالیه ندادند -
مدیر مالیه سیاهه نام نویس قبیله دارا نیکیه جزو
نداده اند بیولک مالیه بفرستد که بحضور تقدیم شود -
فقره سوم - مالیه قریه استاد است که بست آن
از روی عمل و اجاره چند ساله سنجیده و
چندیکه آن گرفته و تقرر داده بست مقرر
گردیده - در اینصورت اگر جزو داده کی

- ۱۰ -

قبیله داران جمع سابق قریه را پوره نکرده
کسر میکرد مدیر مالیه کسر مالیه را بالای مالیه
اسامی مالیه ده قریه علی السویه تقسیم نماید.

فقرة چهارم - قبیله داران که جزو ملک
داری رعیتی تعلقه خودهارا با اداره مالیه سپردند
مدیر مالیه را میباید که جزو تعلقه قبیله دارانرا
بسر رشته اصول دفتری داخل کتاب جزو املاکات
نماید و از روی کتاب مذکور برای هر فرد
رعیت تکت مالیه دهی آنها بکاغذ جهایی بمهر رسمی
بدهد و اخیر آنها بمهر کلکی میختم نماید که رعیت
بداد خود دانسته قبیله داران از او شان اضافه ستانی
نکنند - بدون مبلغ داخله تکت قبیله داران رعیت دیگر
چیزی حق ندارد که بگیرد - اگر قبیله دار تکت مالیه
دهی اسامی را از اداره مالیه گرفته و برای اسامی

- ۱۱ -

مالیه دمه داده بود و ثبوت شد فی تکت (۲۵) روبه جریمه
از قبیلہ دار گرفته میشود.

فقره پنجم - گرفتن مالیه بدو قسط مقرر
گردیده که قسط اول بمیزان که فصل ربیع کاملاً
باتمام میرسد - و قسط دوم بدو که فصلی خریف
برداشته میشود - هرگاه شخصی وجه مالیه سالانه
ذمه گئی خود را بقسط اول برضا و رغبت برساند و از
دین بیت المال خود را فارغ البال بسازد منظور است بلکه
اعتبار شخصی او تا یکدرجه بنزد حکومت خواهد بود.

فقره ششم - از اداره مالیه برای قبیلہ داران
کتاب رسد جهایی داده شده که قبیلہ داران دهم روز
قبل از رسیدن قسط رعایای تعلقه خود را برای
آما دم کردن و وجه قسط اطلاع بدهند
بروز اول قسط شروع بوجه تحصیلی مالیه کرده

- ۱۲ -

الی روز اخیر قسط کاملاً وجه مالیه قسط مقرر
را تحصیل نمایند - و از اداره مالیه برای قبيله
داران که کتاب رسيد چها پی داده شده هر ورق
آن سه بارچه میباشد که یکبارچه را به قسط اول
و بارچه دیگر را به قسط دوم رسيد بدهند -
و بارچه سوم که بکتاب باقی میماند صورت
گرفت وجه را نوشته کند که در وقت ضرورت
بمقام شاهد و دلیل بوده ثبت رسيد اسامی باشد -
اگر رعیت بکاغذ سفيد رسيد گرفته بود و درین
قریه دار ورعیت گفته کوی واقع شد رسيد
مذکور سند شمرده نمیشود - بدون شاهد و
اثبات در صورت نبوت بقدر داخله نکت جریمه از
قریه دار گرفته میشود.
فقره هفتم - و قبکه قریه داران وجه اقساط آنرا

- ۱۳ -

بموقعه آن تحصیل کردند که ملا وجه تحصیلی
خود را تحویل صندوقخانه در موعده قسط نموده
رسید از درك ابواب جمعیه خود و اداره مالیه بدون
جزو حاصل دارند.

فقرة هشتم - از اداره مالیه برای قریه داران
طومار جزو از اسامی جمعه دهی شان همه ساله داده
میشود - تا استحضار و دانسته کی قریه دار حاصل
باشد که فلان اسامی در جمع من مالیه دهی دارد
و جمع قریه داری من اینقدر اوجه میشود و مناصفه
جمع مذکور که يك قسط است بدانند - و قسقه
قریه دار وجه تحصیلی خود را تحویل نموده و
بموقعه حاصل کرده رسید را با اداره مالیه آورد
مدیر مالیه وظیفه فرض منصبی خود را بقرار ذیل
معمول دارد.

- ۱۴ -

اول - مدیر مالیه طومار ابوابجمعی قریه دار را دیده مشخص کند که قسط قریه دار چند میشود و رسید صندوقخانه را موافق بقسط نماید - رسید صندوقخانه را ضبط کرده نقل رسید آنرا بخرج طومار قریه دار نوشته رسید کند.

دوم - اگر قریه دار وجه قسط ابوابجمعی خود را بوره تحویل صندوقخانه نکرده بود و تمسک حسابی بموجب فقرات نظامنامه نداشت در اینصورت ضرور است که اسامی که وجه قسط مالیه را نداده نشان بدهد و باوجه دوات را برساند.

سوم - وقتی که قریه دار قلمداد کرد که فلان شخص وجه قسط را نرسانیده محض بگفته او اعتبار نمیشود کتاب رسید چهابی که نمبر پست است و برای قریه دار داده شده فوراً بتمبراسامی مقابله

- ۱۵ -

شود اگر هردو پارچه رسید چایی اسامی مطابق
تمبر موجود و سفید بود حرف قریه دار قابل
اعتبار شمرده بهمراه مذکور ملازمان سرکاری
مقرر میشوند که اسامی را حاضر کنند -

چهارم - درحالی که اسامی مطلوب حاضر شد
سبب نرسانیدن مالیه بمواجهه قریه دار پرسیده
میشود اگر اسامی بدون رسید قریه دار و یا تمسک
حسابی بود و سند از اداره مالیه نداشت از قرار
فی تومان پنجر و پیه جریمانه سنجیده بذریعہ
ملازمان سرکاری بمعه مالیه قسط مذکور حصول
و تحویل صندوقخانه شود از وجه مالیه که
بذریعہ ملازمان سرکاری تحصیل شود برای
قریه دار قریه داری داده نمیشود - هرگاه اسامی
باداره مالیه حاضر گردیده و بکاغذ سفید رسید

- ۱۶ -

قریه دار را حاضر کرد در صورتیکه قریه دار
قبولدار شود بدون اثبات که صحیح است فی
تومان پنجروپیه جریمه بمعه اصل وجه از قریه دار
و پنجروپیه از اسامی گرفته تحویل
صندوقخانه شود به سببیکه خلاف نظامنامه رفتار
نموده رسید بکاغذ سفید گرفته و با قریه دار
از گرفتن وجه انکار داشته باشد و رسید را
ساعتی بشمرد رسید مذکور که بکاغذ سفید باشد
بدرجه رسید جهایی اعتبار ندارد باز هم علم آوری
زیاد شود هرگاه قریه دار ملامت شود بقرار
فقره ششم جریمه گرفته شود و از اسامی جریمه
آن مطابق فوق است - لهذا سه مراتبه تکرارا
از قریه دار که چنین فعل بظهور برسد از
طرف دولت معزول میشود.

بنجم - چهار ماده فقره هشتم که ذکر
شده اگر مدیر مالیه از سر گذرانیده باز خواست
نکرده وجه بیت المال را جهت تحصیل تحویل حاکم
نکرده معلومدار غرض شخصی و مدعای نفسی
او گفته میشود وجه باقی قسط مالیه بجمع جرمه
مقرر که از قریه دار و اسامی گرفته میشود
از خود او گرفته تحویل صندوقخانه شود - و
علاوه بر آن به سببیکه ایفای مأموریت خود را
نکرده از طرف حکومت برایش سزا داده میشود .
فقره نهم - اگر اسامی وجه قسط اول
و جرمه را با وجود محصلی حاکم نرسانند و
قسط دوم رسید وجه ذمت و مالیه خود را ادا
نکرد جرمه نرسانیدن مالیه قسط دوم سنجیده
بحواله داده میشود الی موعده حوت اگر نرسانند

دیگر مدارا و رعایت او نمیشود اینطور اشخاص
را دولت او باش و بد بده دانسته مدیر مایه
حکمی بذریعه قریه دار و خود مذکور بازمین
مذکور را بدیگری گرو داده و یا بالای خود
او بفروش رسانیده وجه سرکار را تحصیل نماید
که بدیگر سال باقی نماند - اگر شخصی گرو
نمیگرفت و یا قطعی نمی خرید بیولک مایه
خبر بدهد.

فقرة دهم - اگر شخصی مایه ده قبل از
برداشتن حاصل مفروز و یا بجنایت گرفتار گردیده
حبس شد قریه دار را میباید که زمین مذکور را
باقرای او بسپارد و بروز رفع حاصل قریه دار
حاضر بوده مال او را سیاه کرده تحویل اقرای
او نماید - مایه سرکار را از شخصیکه حاصل

- ۱۹ -

تحويل او شد بکیرد - هر گاه شخص مالیه ده
مد از برداشتن حاصل مفروز و یا گرفتار حبس
و جنایت کردید چون وجه اقساط بمعه جریمه
گرفته میشود اگر حصول نشد مطابق حکم فقره
(۹) معمول داشته شود در حا ایکه ملک او را
کارداران دولت متصرف نشده باشند .

فقره یازدهم شخص زمین دار یا فرار یا حبس
کردید قوم قریب نداشت که زمین مذکور باو
سپرده شود هر گاه زمین مذکور زراعت
شده باشد و دهقان نداشته باشد ملک سپرد
دهقان نموده با خبری و هوشداری حاصلات
آنها نماید و بداره مالیه کیفیت آن را تحریر
دارد که در وقت فصل شخصی از اداره مالیه
مقرر شود که باتفاق قریه دار رفع حاصلات آنها

نموده جنسی آنرا بفروش رسانیده بداره مالیه
سیاهه آنرا حاضر دارند - هر قدر وجه فروش
حاصل که از منجمله آن مالیه زمین مذکور
بذریعه قریه دار تحویل خزانه شود باقیمانده وجه
آنرا قریه دار بخزانه تحویل کرده رسید
امانت گرفته بداره مالیه حاضر دارد که ثبت شود -
و از اداره مالیه کیفیت آن بیولک مالیه خبر داده
شود چنانکه اسامی صاحبش پیدا شد بداره مالیه
آمده در خواست نماید - مدیر مالیه تصدیق
آنرا نموده حواله بیولک مالیه نماید از بیولک مالیه
اگر خیانتی نداشت بمو جب رسید امانت وجه
آن بخزانه حواله داده میشود - بسال دیگر
زمین مذکور را اجاره بدهد تا مالک زمین بیاید
همه ساله وجه مالیه تحویل خزانه باقی آن امانت

- ۲۱ -

بخزانه تحویل شود .

فقره دوازدهم - برای مزروعات و باغاتیکه

آفت سماوی برسد و یا از بی آبی

سوخت برسد - فوراً رعایا و قریه دار با داره مالیه آمده

بکاغذ رسمی در خواست نمایند - مدیر مالیه

بموجب در خواست شان از اداره مالیه ممیز مقرر

کند که بالای زمین های آفت رسیده و سوخته

رفته علم آوری نماید و علم آوری مذکور سه

تقریب باشد - اول زمین ها و باغاتیکه کاملاً ضرر

رسیده باشد - دوم اینکه مناصف را ضرر و باقی

آن سالم باشد - سوم که قدری ضرر رسیده باشد

قریه دار و ممیز تعیین و تقریب نموده طومار ممیزی

خود را مهر کرده با داره مالیه بپارند مدیر مالیه

بعد از تحقیقات لازمه و وظیفه فرض منصبی خود

- ۲۲ -

تصدیق خود و حاکم انولا را کرده حواله ببولک
مالیه نماید - بولک مالیه زمین مزروعی و باغی
و قنوت و چشمه سار را بموجب مواد معموله دارد :

ماده اول در باب زمین مزروعی و غیره که

ضرر رسیده باشد دو صورت دارد - (یا در فصل

ربیع است) - (یا در خریف)

صورت اول - فصل ربیع سه قسم خواهد بود :

قسم اول - اگر کاملاً ضرر رسیده بود

وجه مالیه آن بقسط دوم سال آینده گرفته شود .

قسم دوم - که مناصفه رسیده باشد بقسط

اول سال آینده گرفته شود .

قسم سوم - که قدری ضرر رسیده باشد

بقسط دوم سال مذکور گرفته شود .

صورت دوم - در ایام و هنگام فصل خریف

- ۲۳ -

اگر ضرر رسیده دو قسم خواهد بود :
قسم اول اگر ضرر کامل رسیده باشد
مالیه بقسط دوم سال آینده گرفته شود .

قسم دوم - اگر مناصفه و یا قدری ضرر
رسیده بود بقسط اول سال آینده گرفته شود .

ماده دوم - در باب باغی و سر درختی اگر

کامل ضرر رسیده باشد بقسط اول سال آینده
هر گاه مناصفه ضرر رسیده بود بقسط دوم سال مذکور
گرفته شود - در باب این فقره مدیر مالیه بقرار

امر بولك مالیه معمول دارد -

چون سرکار ملك را جمع بست نموده و در سالها نیکه
زمین دار کمائی میکند و حاصل زیاد می بردارد
بدولت اضافه از مالیه نمیرساند دولت حقدار
که مالیه خود را بگیرد - مگر چون دولت ورعیت

يك وجود هستند با قساطر رعایت آن کرده شده
که در فوق ذکر است .
فقره سیزدهم - زمین های مزروعی و باغ
را اگر آب برد - و یا قنوات مسدود و خشک و خراب
شد از دو حال خالی نخواهد بود - اگر بعد از فصل
باشد مالیه و تحقیق سبب خرابی کیفیت ممیزی
آن ببولك مالیه بحضور ناظر مالیه تقدیم میشود -
هر قرار بکه از حضور ناظر مالیه حکم شد از بولك
مالیه بمدير مالیه خبر داده میشود بقرار حکم
مجری داده شود - مگر قریب دار را
لازم است که اسامی را با دازه مالیه حاضر نماید که
موعد آبادی آنها مشخص کند - هرگاه اسامی مذکور
صاحب استعداد نبود ممیز مقرر شود که پیمایش
مخارج آنها نماید و طوهار آنها ببولك مالیه

- ۲۵ -

بمن سند بولك مالیه بقرار اجازت ناظر مالیه
چهار بیکه پیمایش را سنجیده بعد از منظوری
حضور بقرار حجت شرعی و ضمانت خط مصیغه
تقاوی از طرف سرکار وجه بدهد که آباد نماید -
چونیکه آباد شد بقرا موعده مقررہ قریه دار باداره
مالیه اطلاع بدهد که مالیه آن بسته شود - وجه
تقاوی پنجاه سال با قسط اخیر سال گرفته شود
اگر اسامی زمین خود را آباد نمیکرد خط داده
و اگذار شود که بدبگری داده - هر گاه
ممکن آبادی نداشت بعد از تحقیق خبر .

فقره چهار دهم اگر صاحب زمین املاک
مزروعی خود را نهال غرس نموده باغ ساخت
چهل اول قریه دار باداره مالیه خبر بدهد که
که ممیز مقرر شده عام آوری نماید - تا مدت

- ۲۶ -

پنجستان که اشجار آن مشمره نشده مالیه مزروعی گرفته شد - بسال ششم مالیه باغی بسته و گرفته شود مکرمدیر مالیه بهمان تریخ صورت ممیزی آنرا بذریعہ ذاک محصولی بیولک مالیه ارسال دارد که ملا خطه مامور بو ملک مالیه بطریق نشانی شود

فقره پانزدهم - شخصی که زمین باغی داشته باشد و اشجار آنرا بکشد قریه دار را لازم است که بمدير مالیه خبر بدهد که مالیه مزروعی بسته و گرفته شود و از اداره تخریری بیولک مالیه نیز خبر داده شود

فقره شانزدهم - قیمت زمین های مخروبه

از قرار فی جریب سه رویه و چمنها فی جریب ده رویه مقرر شده - هر گاه شخصی زمین مخروبه و چمن را آباد کند میباید اداره مالیه آمده استدعا نماید مدیر مالیه از شفعداران زمین های مخروبه و چمن پرسید

هر گاه آنها گرفته خط وا گذاری دادند - بقرار
جریب قیمت معین که ذکر شده قیمت کرده وجه
آرا بخزانة تحویل نموده از اداره مالیه سند حاصل دارد
مدیر مالیه را لازم است که بقرار وجه تحویل کرده گی
اسامی برایش سند جریبی بحدود معین بدهد و از اسامی
خریدار قرار داد موعده آبادی آنرا بگیرد و بیولک
مالیه خبر بدهد بسالیکه بندر افشان نمود قریه دار را لازم
است که بادره مالیه اخبار کند و مدیر مالیه
جریب کش مقرر نماید هر قدر زمین را که بدر نموده
بود بقرار مالیه بلوان شریک قریه مذکور سنجیده
بسال اول چهار یک سال دوم مناصفه بسال سوم
سه حصه بسال چهارم کامل مالیه بلوان شریک گرفته
شود و بیولک مالیه نیز اطلاعات داده شود.
فقره هفدهم - اسامی که سابق لمحاظ

— ۲۸ —

تکالیفات خود را قطعه برات کرده بودند حال تکالیف
بمراحم ملوکانه موقوف شده قطعه برات بودن
موقوف است اشخاصیکه قطعه برات بودند کاملاً
بجمع قریه داران قریه بسته شوند - هرگاه شخصی
بقطعه برات و در راضی باشد چون معاملات دولت
طوالت و تنخواه مأمورین تنخواه - و راضی میشود -
بعالیه سابقه خود فی رویه ده بیسه قبوله دار شود و بدولت
برساند و قطعه برات باشد منظور است.

فقرة هیجدهم - قریه استاد است
و برای ه قریه یک قریه دار لازم است مدیر مایه
سعی و دقت کند که در یک قریه یک شخص قریه دار
مقرر باشد - اگر باشد بود دو قریه دار یک -
قریه منظور است - هرگاه شخصی قریه دار سه قریه
باشد جمع قریجات هر کدام علی حده عالی حده بسته

میشود مگر بشرطیکه کامل قریه دار قریه باشد.
فقره نوزدهم - مقرری قریه دار با انتخاب
رعیت است که در سه سال مقرر میشود - لیکن
رعیت باید قریه دار شخصی را انتخاب کنند که
صاحب هستی و جایداد و ظاهرش صلاح
دینی و دنیوی آراسته باشد - در موعد انتخاب
که طومار رسمی گرفت تاجنایت و قباحت
و خیانت ازنا مبرده بظهور نرسد معز و ل
نمیشود - هرگاه این افعال ازنا مبرده بظهور
رسید موقوف و طرد گردیده دیگر ملازمت او
بدولت و قریه داری آن برعیت مقبول و منظور نمیشود
فقره بیستم - انتخاب قریه دار برضای رعیت
است در صورتیکه قریه دار فرار و با مال دولت را
از درك مالیه تلف نماید چون رعیت کفیل است

- ۳۰ -

دوات بجایداد قریه دار تعاقب نداشته و چه خود را بقرار
دینش مالیه از اسامی مالیه ده آن میگیرد اختیار
جایداد قریه دار بر عبت است .

فقره بیست و یکم - شخصی که بعد از
گرفتن تکت رسمی مالیه اگر زمین خود را
به بیع قطعی و اجائزی بفروش برساند ضمانت وجه
از اسامی فروشنده گرفته و ماورین بقرار مواد
ذیل معمول دارند :

ماده اول - اهالی محکمه که قبایله را
نوشته میکنند ضرور است زمین ها تسکمه متعلق
بحریم است اعلی و اوسط و ادنی - هر گاه متعلق
بحریم نباشد محدود مروج آنرا قید نماید -
و تصدیق قریه دار قریه در ذوالبیدی آن و ملکیت
فروشنده شرط است .

- ۳۱ -

ماده دوم - اسامی فرو شده که قبله را

ب اداره مالیه جهت تصدیق مهر قریبه دار حاضر میکند
مدیر مالیه را میباید که تکت اسامی فرو شده را دیده
مهر قریبه دار قریبه را بنام ملکیش و معدود و فروش دخل
قبله را معدود تکت تطبیق نماید - اگر زمین مندرجه
تکت را کاملاً بفروش رسانیده بود و یا چیزی را بفروش
رسانیده و باقی آن مانده باشد خبر و الا اضافه از معدود
داخله تکت بود زیاده را بکتاب جزو بسته نموده
مطابق فقره (۲) باز خواست نماید زیرا که قلم
اندازی ثابت میشود.

ماده سوم - در صورت فروش قطعی و یا

جائزی قبله بکتاب جزو املاکات بخانه کیفیت
خلص معدوده واسم خریدار محاذی سطر فرستاده
درج شود.

ماده چهارم - قباله بیع جائزی که بسال

اول بخانه کیفیت کتاب جزو املاکات داخل شد بسال
دیگر بکتاب جزو املاکات بخانه ملاحظات نوشته میشود
تا بسالی که گرو است همچنان چنینکه با بیع زمین خود
را خلاص کرد لازم است که قباله را نزد مدبر
مالیه حاضر دارد که فسخ آنرا بخانه کیفیت نوشته
مهر خود را باطل نماید و مشتری نیز بکتاب جزو
امضا نماید - در بیع جائزی ثکث صاحب زمین
اگر کاملاً گرو کرده باشد ضبط هر گاه
چیز را گرو داده باشد کم نمیشود - نوشته کتاب
جزو کافیت گروی دار همه ساله مالیه را بنام
صاحب زمین بملک بمعرفت خود برساند.

ماده پنجم - مناب فروش قطعی اولاً اگر

شخصی زمین خود را کاملاً بفروش رسانید داخل

- ۳۳ -

کتاب جزو املاکات تاریخ فروش و اسم خریدار
قید و تکت فروشنده ضبط شود و اسمی خریدار را کبر بقریه
مذکور زمین داشته باشد تاریخ و اسم فروشنده نوشته به
تکت سابق آن مالیه افزوده شود - هرگاه سابق بقریه
مذکور زمین داری نداشت در سال اول کیفیت خرید
آفرامدیر مالیه بعد از ثبت کتاب جزو در عقب تکت نوشته
بخریدار تسلیم نماید و بسال آینده تکت مذکور
راضی ضبط نموده با اسم خود خریدار تکت بدهد -
تا آنجا در صورتیکه شخص فروشنده از منجمله زمین
خود چیزی را بفروش برساند و چیزی برای خودش
باقی بماند بعد از مندرجه کتاب جزو مالیه زمین
معدود که بفروش رسانیده از تکت فروشنده
وضع شود - در حالیکه خریدار تکت و زمین
بقریه مذکور داشته باشد به تکت مذکور معدود
مالیه افزوده شود - اگر زمین و مالیه دهی بقریه

— ۳۴ —

مذکور بجمع قریه دار فرو شده نداشت بسال
آینده بتعداد نمبر آخر او ابجمعی قریه دار تکت جدید
برایش داده شود - مگر همانروز زمین از تکت
فرو شده وضع شود مالیه همانسال را بنام بایع
برساند - بسال دیگر که تکت مالیه دهی خود را
گرفت باسم خود برساند .

ماده ششم - مالیه وابسته تصرفی فصل است
اگر بایع زمین خود را بعد از فصول بفروش
رسانید مالیه دولت از خود او هرگاه قبل از فصول
بفروش رسانید از مشتری گرفته میشود - مدیر
مالیه را لازم است که در وقت فروش بین الفصلین
خط مقاوله رسانیدن مالیه را بقرار قبولی از نزد بایع و
مشتری گرفته قباله را مهر کند که جای گفتگو
بروز دیگر باقی نماند .

فقره بیست و دوم - مدیر مالیه از روی کتاب

- ۳۵ -

جزو املاکات جمع قریه داران خاص داخل
 حساب خصوصاً نمی نماید و سندات قریه داران
 هر روز بکه برایش میرسد بوز نامچه تحصیلات
 مجری نموده سند را ضبط کرده بطو مار خرج
 قریه داری قریه دار مذکور رسانده مهر نماید
 و در اخیر هر قسط يك حساب عمومی بسازد و
 نقل آنرا ببولك مالیه بقرستد که بذریعه بولك
 مالیه بحضور ناظر مالیه تقدیم میشود و درحینیکه
 مفتش مقرر میشود اساس علم آوری آن باشد .
 فقره بیست و سوم - قریه داری قریه داران
 بقرار مقرری سابق از وجه حصولی بقسط دوم
 بحسابشان مجری داده شود ازوجهی که داخل جریمه
 آمده باشد باوجود حصولی قریه داری داده نشود .
 فقره بیست و چهارم - تقخواه مقرری
 مدبر مالیه و مامورین اداره مالیه بمو - ببرات

() مالیه و مامورین اداره مالیه بمو - ببرات

- ۳۶ -

نظارت مالیه بدو قسط از صندوقخانه داده میشود
- بلحاظیکه در ملک بلفظ تخواه برداشت نکند
هر گاه کرده بودند و بظهور رسید بکس
گرفته میشود.

فقره بیست و پنجم - در سنوات سابق که
مالیه جنسی گرفته میشد حواله آن بجایداد کدام
داده میشد از رسانیدن کدام و انواع حواله و
خریداری متعدد کار داران ملت بمذاب و بدولت
فائده هم نمیرسید و باقی مانده حواله کدامها
بقیمت گران تسعیر و از ملت شدت گرفته
میشد - ذات شاهانه از روی رعیت پروری و
عدالت گستری دفع این صعوبت را به نقد دین
نجه آسایش ملت صورت اخذ مالیه را نقد و
رسانیدن آنرا اقساط مقرر فرمودند - و از روی
ضعیفی تسعیر اجناس محال () بقرار

[illegible]

- ۳۸ -

جدول صفحه ۳۷ منظور فرمودند که ملت ببلاد خود
دائسته باقسط مقرر بدون صعوبت ماليه خود را
بدولت برسانند - و رعيت از رسانیدن کدام
و حواله داران فارغ البال باشند.

فقره بيست و ششم - تسمير مستقل
مندرجه نظامنامه هذا از ابتدای سنه ۱۲۹۹ الى
سنه ۱۳۰۱ شمسی که سه سال ميشود منظور است
بعد از انقضای سه سال تجويز علیحده ميشود
انشاء الله تعالى بسببیکه نقصان رعيت و دولت
نشود و در آنوقت نظامنامه ماليه عند الضرورة
ترميم خواهد شد.

فقره بيست و هفتم - از طرف دولت
بملاحظه خير ملت ماليه جنبي نقد مقرر گردید
در صورت محاربه اجنبي اگر جنس بکار دولت
شود بوقت فصل بقرار ماليه دهی اسامي جنس

- ۳۹ -

مطلوب خود را جنس گرفته میتواند - و قیمت
جنسی مذکور بقرار یککه تسعیر شده مجری میدهد -
معاملات دفاتر و محاسبات رعیت به نقد است
بدون ضرورت محاربه دولت بموعده سه سال
جنس نمیگیرد - و کار آمد خود را به فرخ روز
و خوش رضای رعیت بدون اجبار خریداری میکنند -
فقرة بیست و هشتم - رباطها نیکیه در
عرض راه ساخته شده بلحاظ آسوده خالی باشند گان
قریبه جات و غایرین ملت است در باب مرمت کاری
کار رباطهای متعلق محالات بقرار وند و تقسیم
بدون مصالح و ناخاص مرد کار آن بعهده رعیت
است و برف باکی رباطهای مذکور را بقرار
سابق رعیت نماید که خراب و بر هم نشود -
فقرة بیست و نهم - تقسیم آب بخشی
رعیتی تعلق بمدير مالیه دارد که بقرار قاعده

- ۴۰ -

حسابی و گذشت تقسیم آب بخشی را نماید مصارف
دهنه های آب خورم و کندن جوی و آبخوره
وساختن پلهای آبخوره بعهده رعیت است مدیر
مالیه را لازم است که بقرار حقابه برای رعیت
آب بدهد - هرگاه بدون حقابه برای شخصی
مدیر مالیه آب داده بود و یا دیگری رفته داده
بود و بظهور رسید باز خواست شدید کرده میشود -
فقره سی ام - اشخاصیکه گفتگوی مالیه
دهی و یا دعوی آب بخشی داشته باشند و نزاع
شان بخصوص آب و مالیه ضرر بتوان شر بکی
باشد عرض و دادشان متعلق بداره مالیه است که
مدیر مالیه تحقیق فقره منازعه شانرا نموده
بقرار حسابی فیصله نماید - هرگاه بمحال تصفیه
نشد صورت تحقیق خود را روانه دارد که بولک مالیه علم
آورده حقداری شود - اگر بولک و نظارت مالیه فیصله

- ۴۹ -

آن بحسابی نشد و ممکن نبود از نظارت مالیه تحقیقات
مدعی و مدعی علیه بنظارت عدلیه فرستاده شود
بعد از فیصله بیولک مالیه و از بیولک مالیه بداره
مالیه خبر داده شود.

فقره سی و یکم - برای کفکوی حسابی
و حق داری مالیه و آب بخشی و ضرر بلوان شریکی
شخصیکه بداره مالیه خواسته میشود اولاً
مدعی کوائف خود را بذریعہ عریضه رسمی
از مدیر مالیه درخواست نماید - ثانیاً مدیر مالیه اگر
مدعی علیه را لازم خواستن میدانست بدست مدعی
جلب نامه بدهد - مدعی جلب نامه را برده بقریه دار
قریه مدعی علیه نشان داده قریه دار قریه اسامی را
واقف نموده قریه دار قریه بجنب نامه از واقفیت
آن تصدیق نماید - اگر مدعی علیه حاضر نشد و
مدعی بمدیر مالیه عارض کردید مدیر بعد از ملاحظه

- ۴۲ -

جلب نامه بذریعہ احضار نامه مدعی علیہ را بواسطہ محصل
بخواهد - در اینصورت کہ مدعی علیہ بامر احضار
نامه و محصل حاضر گردیدہ دہ رویہ جریمہ از
نامبرده کمرفته تحویل خزانہ شود و راپوت آن بیولک
مالیہ فرستادہ شود - لیکن جریمہ تحویل خزانہ
بواسطہ مجرم میشود .

فقرہ سی و دوم - مدیر مالیہ کہ جلب
نامه و احضار نامه رسمی اسمی مدعی علیہ کہ میدہد
ثبت آن بکتاب سرکاری باشد اگر بدون ثبت
کتاب ظاہر شد بہر قطعہ آن دہ رویہ
جریمہ از مدیر مالیہ کمرفته میشود .

فقرہ سی و سوم - اسمی مدعی و مدعی علیہ
کہ بدارہ مالیہ گفتگو مینمایند اگر منازعہ شان
سہل بود حاجت بصورت حال ندارد - ہر گاہ
منازعہ شان صعب و تحقیق زیاد بعمل آورده میشود .

- ۴۳ -

عریضه مدعی را استاد گرفته سؤال و جواب مدعی
و مدعی علیه را بکاغذ نوشته کند - حاضرین
اداره که عبارت از نفری غیر اداره باشد در
صورتیکه مدعی و مدعی علیه مهر و امضا نداشته
باشند از اقرارشان تصدیق نماید - مدیر مالیه بعد
از سؤال و جواب مدعی و مدعی علیه بقرار حسابی
فیصله نماید - هرگاه فیصله بدارد مالیه نشد بقرار
حکم فقره (۳۰) معمول ندارد .

فقره بی و چهارم - جمع انواع تکالیف

از حضور کما مالا موقوف گردید احدی را اجازه
نیست که بالای رعیت چیزی حواله کند - هرگاه
کار داران و باقریه داران چیزی تکالیف بالای رعیت
حواله کرد رعیت اولاً بمدیر مالیه -
ثانیاً بیجا کم ثالثاً بیجا کم بالا دست آن بخیر بدهد
حاکم بالا دست منع نماید هرگاه منع نشد باز -

- ۴۴ -

خواست کند - و علاوه بر آن هر گاه بحضور
رسید باز خواست او نشده بود از شخصیکه
باز خواست نکرده باز خواست میشود.

فقره سی و پنجم - شفعمداری زمین خواه
بلحاظ باقی دولت و یا داد و طلب رعیت باشد
موقوف است مگر در جائیکه ذات شاهانه لازم
بدانند بموجب فرمان رسمی اداره مالیه و یا حاکم
امر نمایند - بدون فرمان دیگر را اجازه نیست
که حکم شفعمداری نماید.

فقره سی و ششم - مدیر مالیه با اداره
مالیه که حساب قریه داران و صاحبان جمع را
بقرار قواعد اصول دفتری میسازد در اخیر سال
حسابات اداره مالیه را تمام نموده بمعه سندات
خود ببولک مالیه روانه نماید که سنجیده شود و همه
ساله سند فیصله حساب مدیریت خود را حاصل نماید -

- ۴۵ -

در حینیکه حساب مدیر مالیه بیولک مالیه برسد
بیولک دار مالیه الی یکماه فیصله حساب آنرا نماید -

فقره سی و هفتم - اشخاصیکه وجه مالیه را

بموعده قسط نرسانیدند مدیر مالیه بموجب حکم
نظامنامه جریمه آنرا سنجیده بمعه باقی مالیه آن
ضم نموده سیاهه جزوار ساخته تحویل حاکم محال
نماید و نقل آنرا بکتاب عیناً رسید بکبرد صورت
خلص حواله را که جهت تحصیل تحویل حاکم
مینماید بیولک مالیه اطلاع بدهد .

فقره سی و هشتم - مدیر مالیه که سیاهه باقی

مالیه را تحویل حاکم کرد حاکم را میباید که برایش
رسید داده شروع بتحصیل نماید و بانزده درپانزده
رابطه تحویل را بمدیر مالیه بدهد .

فقره سی و نهم - وجه باقی که تحویل حاکم

شد و شروع بتحصیل کرد میباید که سعی شود

- ۴۶ -

که بسال دیگر باقی نماند اگر اسامی کنشکوی
 حسابی داشت بداره مالیه روانه دارد بدون خط
 مدیر اختیار معطلی و کم و زیاد کردن و قسط
 نمودن وجه مالیه را حکام ندارند هرگاه حکام
 در تحصیل تعافلی کردند و تمسک حسابی از مدیر
 مالیه نداشتند . و سال باخیر رسید وجه مالیه بقریه دار
 باقیماند جواب درک باقی بذمه حکام است .
 فقره چهارم - نظار نظارات و مأ مورین
 کار بکارهای مالیه که باسم مدیران مالیه حکم
 مینماید حکم شان خلاف قواعد نظامنامه مالیه نباشد
 هرگاه بخلاف فقرات نظامنامه بود مدیر مالیه
 اجرا نکرده بیولک مالیه خبر بدهد .
 فقره پنجم و یکم - برای کارهای اداره
 هائیکه تشکیل شده بقرار امر امر مفتش برای
 تفتیش مقرر می شود

- ۴۷ -

مدیران مالیه در اجرای کار دقت کرده دفاتر
خود را دائما منتظم داشته باشند که مفتش در
وقت تفتیش سرگردان نشود.

اعلان

نظامنامه مالیه که مظهر است بجهل و یلک
فقره از ملاحظه حضور شاهانه ام گذارش یافته
برای سعادت ملت و ترقیات وطن افغانستان منظور
گردیده احدیرا اجازه نیست که خلاف رفتاری
نماید هرگاه رعیت و قریه داران و مدیران و
حکام و نظار نظارات بخلاف آن رفتار نموده
بودند و بحضور رسید و ثابت شد باز خواست
شدید می شود نظام هذا متعلق است بمالیه اداره
مالیه () و برای ()

(داده شد فی یکم حمل سنه ۱۲۹۹)

ناله